

پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۰

ص ۱۶۲-۱۳۹

## بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی

دکتر احمدرضا یلمه‌ها \*

### چکیده:

نسخه‌های خطی در واقع سرمایه فرهنگی و گنجینه تاریخ تمدن هر جامعه‌ای است و بی‌مدد شناخت آن‌ها نمی‌توان از آرا، عقاید و به طور کلی تاریخ فرهنگ گذشتگان شناختی حاصل کرد. بدیهی است این آثار مکتوب در هر زبانی و در میان هر جامعه و نسلی نمی‌تواند از خطر دیگرگونی به دور بماند. علل تصرف و تغییر در صورت و معنای نگاشته‌ها جنبه‌های گوناگونی دارد. از جمله این علل سهو و تساهل کاتبان و نساخ در کتابت نسخه‌های خطی است. این تصرف‌های سهوآمیز نسخه‌نویسان، گاه بر اثر خستگی و خطای چشم و گاه در اثر خطای ذهنی کاتب روی می‌داده است. نوعی از این تصرفات سهوآمیز که به وفور در نسخه‌های خطی دواوین شعرا در دوره‌های مختلف مشهود است، خلط و به هم آمیزی ابیات و در نتیجه حذف و افتادگی مصراع و یا مصاریعی از ابیات است.

---

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان [ayalameha@yahoo.com](mailto:ayalameha@yahoo.com)

وب سایت: [www.yalameha.ir](http://www.yalameha.ir)

تاریخ پذیرش ۹۰/۳/۴

تاریخ وصول ۸۹/۱۱/۲۸

نگارنده بر آن است تا در این مقاله به نمونه‌های گوناگون این نوع تصرفات در نسخه‌های خطی بپردازد و علت و یا علل به وجود آمدن آن‌ها را با ارائه نمونه‌های مختلف، که در دیوان‌های چاپی برخی از شاعران مورد توجه واقع نشده و در نتیجه آن، ابیات به صورت مبهم و ناقص ضبط شده است را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

### واژه‌های کلیدی:

تصحیح، کاتب، نسخه‌های خطی، تصرفات، دیوان، شعر فارسی.

### مقدمه:

نسخه‌های خطی، سرمایه و پشتوانه فرهنگی هر ملت است. این گنجینه‌ها نمایانگر تاریخ علم و ارزش‌های هنری در قرون مختلف است. بی‌شک یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه، احیای این گنجینه‌ها و آثار مکتوب بر جای مانده از بزرگان و دانشوران گذشته است. بر این اساس، توجه به احیا و تصحیح متون علاوه بر روشن شدن بخش‌هایی از تمدن و فرهنگ اسلامی، نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی فارسی‌زبانان است.

بدیهی است در گذشته و بخصوص قبل از پیدایش صنعت چاپ، تکثیر و انتشار مطالب علمی از طریق نسخه‌نویسی صورت می‌گرفته و صحت و سقم مطالب آن، به میزان دقت، تأمل و اطلاع نسخه‌نویسان و کاتبان بستگی داشته است. تحریفات و تصحیفات هم به اقتضای زمان و پیشینه نسخه‌نویسان در نگارش نسخه‌ها صورت گرفته است. کسانی که با نسخه‌ها و دست‌نوشته‌های کهن آشنا هستند، می‌دانند که این رونوشت‌ها و دست‌نوشته‌ها تا چه حد به خطای کاتب و رونویسگر و تصرفات و دستبردهای سهوی و حتی عمدی آلوده است. روبر ماریشال می‌نویسد: «سخن گفتن از رونوشت، طبعاً سخن به میان آوردن از اشتباه هم هست. انسان همیشه در رونویسی دچار

اشتباه می‌شود و این امری است اجتناب‌ناپذیر. حتی اگر فردی از روی یک متن چاپی نیز رونوشت بردارد، باز هم از خطا مصون نمی‌ماند» (نک: جهانبخش، ۱۳۸۷: ۲۴).

شیخ آذری، عارف و شاعر قرن هشتم هجری از کاتب دیوانش (امینا) گلابه کرده و از تصرفات فراوانی که در سروده‌های او داشته چنین شکایت می‌کند:

دیوان بنده را که امینا سواد کرد	تنها در او نه شعر مجرد نوشته است
از نظم و اثر هر چه به فکرش خوش آمده است	دیوان بنده پر ز خوشامد نوشته است
هر جا که لفظ «ید» مثلاً دیده در سخن	دست تصرفش همه را بد نوشته است
حالی شریک غالب دیوان بنده اوست	زیرا که بیشتر سخن خود نوشته است

(مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۰۵-۲۰۶)

به هر حال شناخت انواع تصرفات کاتبان در متن و طبقه‌بندی این تصرفات، کاری دشوار و محتاج تفحص و حوصله فراوان است. این تصرفات نیز علل و انگیزه‌های مختلفی داشته است. «از جمله عللی که در جمیع ادوار نسخه‌نویسی، کم و بیش وجود داشته، سهو کاتب است و تساهل او در کتابت. سهو و تساهل کاتب در دوره‌های سوم و چهارم - که بیت‌نویسی و نیز تندنویسی بنا بر دستمزد کاتبان و امرار معاش آنان از طریق کتابت رواج عام‌تر یافت - بیشتر دیده می‌شود؛ با این همه، کاتبانی که اغلاطی سهوآمیز در کتابت مرتکب شده‌اند، در همه ادوار نسخه‌نویسی بوده‌اند. حتی کاتبانی که نسخه‌هایی را برای کتابخانه‌ها و خزانه‌های سلاطین کتابت کرده‌اند، با همه دقتی که در کارشان اعمال می‌کرده‌اند، گاهگاهی از خطاها و لغزش‌های سهوآمیز به دور نمانده‌اند» (همان: ۷۱-۷۲).

بسیاری از این اغلاط، سهوآمیز و برخی از روی عمد است. خطاهای سهوآمیز نسخه‌نویسان و کاتبان، گاه بر اثر خستگی و خطای چشم به وجود می‌آمده است. به گونه‌ای که به علت خستگی چشم، کاتب، حرف و یا کلمه، مصراع یا بیتی را مکرر می‌نوشته و گاه برعکس، حرف، کلمه، مصراع یا بیتی را از قلم می‌انداخته است.

یکی از انواع این تصرفات سهوآمیز آن است که گاه بر اثر خستگی و یا خطای چشم و یا گاه در اثر وجود کلمات یکسان در مصراع‌ها، دو بیت به صورت یک بیت مرکب درآمده است. به گونه‌ای که مصراع‌های دوم و سوم دو بیت، محذوف و از دو مصراع باقی مانده، یک بیت مبهم و ناقص به وجود آمده است. البته این جدا از مواردی است که کاتب از روی عمد، مصراع و یا مصاریعی را به علت عدم قرائت و خوانش صحیح محذوف کرده و یا به علت عدم تعهد کاتب و بی‌توجهی به اصل امانت، مصاریعی را جا به جا کرده و یا به کلی از قلم ساقط کرده است. برای تبیین این مطلب به نمونه‌هایی از آن در دیوان‌های چاپی شاعران اشاره می‌شود.

در دیوان امیر معزی، چاپ عباس اقبال آشتیانی چنین آمده است:

بیت ۸۰۶۵:

چون بشد بیمار، نرگس گشت خاکستر نشین      جامه زد در نیل و پیش مرگ او شد سوگوار

با تأمل در بیت یاد شده، ابهام و اشکال در مفهوم بیت و نیز تناسب نداشتن و بی‌ارتباط بودن مفهوم مصراع اول و دوم آشکار است. مصحح ارجمند همچنان که در مقدمه دیوان اشاره کرده، متن دیوان را بر اساس سه نسخه متأخر و بدون تاریخ کتابت، تصحیح کرده است. «چون همه این نسخه‌ها جدید و کم و بیش مغلوط بود، بسیاری از مواضع همچنان مشکوک و مغلوط ماند» (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۳۴).

یکی از نسخه‌های متقدم و نفیس از دیوان این شاعر که در سال ۷۱۳-۷۱۴ هجری قمری به خط کاتبی موسوم به عبدالمؤمن علوی کاشی به خط خوش، متمایل به ثلث، استنساخ شده و اصل آن در کتابخانه ایندیا آفیس (دیوان هند) انگلستان نگهداری می‌شود، مجموعه دواوین سته است. در این مجموعه، بیت مزبور بدین صورت مضبوط است:

چون بشد بیمار نرگس گشت خاکستر نشین      وز می تیمار در چشمش پدید آمد خمار

چون بنفشه یافت از آشوب عمر او نشان      جامه زد در نیل و پیش مرگ او شد سوگوار

چنان که می‌بینیم کاتب به اشتباه - ناشی از عدم دقت، خستگی و یا خطای چشم - مصراع‌های دوم و سوم دو بیت مذکور را از قلم انداخته و از دو مصراع باقی مانده، بیتی نامفهوم و مبهم ساخته است که در نسخه‌های بعدی دیوان و نیز دیوان چاپی امیر معزّی راه یافته است.

نمونه دیگر:

بیت ۱۰۹۴۴:

گر من ابرام نمایم تو کنی اکرامم      کردم از بهر لقای تو در این شهر مقام

بیت مزبور نیز به همین صورت ناقص و ناتمام در دیوان چاپی امیر معزّی ثبت شده است. با مراجعه به نسخه ۷۱۳-۷۱۴ از دیوان این شاعر، بیت مزبور بدین صورت مضبوط است:

به یقینم من و دانم که به هر مقصودی      گر من ابرام نمایم تو کنی اکرامم  
گشتم از بهر لقای تو در این شهر مقیم      کردم از بهر لقای تو در این شهر مقام

چنان که مشهود است مصاریع اول و سوم دو بیت مزبور نیز به دلیل سهو کاتب از قلم افتاده و مصراع‌های دوم و چهارم باقی مانده، بیتی را تشکیل داده که چندان مفهوم نیست.

بیت ۱۶۳۶۶:

در جهاننداری تو را ایام پسندد همی      مهتران را کهتری حکم تو فرماید همی

بیت مزبور نیز از ابیاتی است که به دلیل غفلت کاتب به صورت غلط نوشته شده است. صورت صحیح بیت مذکور بر اساس نسخه ۷۱۳-۷۱۴ موصوف، چنین است:

در جهاننداری تو را ایام پسندد همی      در شهنشاهی تو را اقبال بستاید همی  
کهتران را مهتری رسم تو آموزد همی      مهتران را کهتری حکم تو فرماید همی

به طور یقین یکی از عوامل در خلط و به هم آمیزی دو بیت مزبور به صورت یک بیت، تناسب و نیز تشابه کلمات «کهتران، مهتری، مهتران، کهتری» است که کاتب را به خطا افکنده است. چنین خلط و به هم آمیزی در بیت زیر از دیوان امیر معزّی نیز دیده می‌شود:

بیت ۱۰۹۳۶:

چون در معرکه و شرع مبارزخواهی هیچ کس برنکشد تیغ فصاحت ز نیام

صورت صحیح بیت مزبور مطابق نسخه ۷۱۳-۷۱۴ چنین است:

چون تو در معرکه شرع مبارزخواهی هیچ کس زهره ندارد که نهد پیش تو گام

چون تو از جعبه علم و خرد اندازی تیر هیچ کس برنکشد تیغ فصاحت ز نیام

بدیهی است علت خلط و به هم آمیزی دو بیت به صورت یک بیت، وجود ترکیب «هیچ کس» است که در مصراع‌های دوم و چهارم آمده و کاتب را به خطا افکنده است.

بیت زیر نیز از نمونه‌های دیگر این ترکیب و به هم آمیزی است:

بیت ۵۴۴۸:

تیر تو را پذیره شوند، آهوان دشت نخجیر خویش را نکشد در بن کمر

صورت صحیح بیت مزبور نیز بر اساس نسخه وصف شده، چنین است:

تیر تو را پذیره شوند آهوان دشت وز تیر تو دهند بشارت به یکدگر

از آرزوی آن که تو نیزه افکنی بر او نخجیر خویش را نکشد در بن کمر

نمونه‌هایی از دیوان رشید و طواط:

چنین تصرفی در متون دیگر و نیز دیگر دواوین شعر فارسی به وفور مشهود است.

در دیوان رشید و طواط، چاپ سعید نفیسی چنین می‌خوانیم:

بیت ۱۸۰۲:

هر قصه دراز که گیرد عدوت پیش آن حیل‌های خصم هبا و هدر کند

دیوان رشید و طواط برای اولین بار توسط سعید نفیسی از سوی کتابفروشی بارانی در

آذرماه ۱۳۳۹ در تهران به چاپ رسیده است. آنچنان که مصحح نیز در مقدمه دیوان

متذکر شده، اکثر نسخ در دسترس ایشان، نسخه‌هایی است که پس از قرن یازدهم

کتابت شده است. مصحح می‌نویسد: «از خردادماه ۱۳۱۱ که تاکنون سرگرم تکمیل و

تصحیح دیوان فارسی رشید بودم، به هیچ وجه نسخه‌ای کهن و معتبر و جامع همه

اشعار وی نیافتم و همه نسخه‌هایی که پس از این نشان خواهم داد، تازه و ناقص است که در نتیجه مقابله با یکدیگر اوراق این کتاب را فراهم آورده‌ام» (مقدمه دیوان: ۴۱).  
قدیم‌ترین نسخه از دیوان این شاعر که مورد استفاده مصحح ارجمند، سعید نفیسی واقع نشده است، مجموعه‌ای است مکتوب به سال ۶۹۹ هجری که اصل آن در کتابخانه چستریتی دوبلین (ایرلند) نگهداری می‌شود. در این نسخه، بیت مزبور چنین ضبط است:

هر قصه دراز که گیرد عدوت پیش      آن را زبان خنجر تو مختصر کند  
خصم تو حيله‌ها کند و حمله‌های تو      آن حيله‌های خصم هبا و هدر کند  
چنان که می‌بینیم مصراع دوم و سوم در دو بیت مزبور از قلم کاتب ساقط شده و از مصاریع باقی مانده، بیتی نامفهوم ساخته شده است. در اینجا نیز وجود دو کلمه «آن» که در مصراع‌های دوم و چهارم آمده و نیز مشابهت کلمات (حيله‌ها - حيله‌های) باعث شده که کاتب به خطا بیفتد.

بیت ۱۴۸:

آسمان شد لفظ من در مدحت شاه زمین      جاودان از آسمان ملک زمین بادت قضا  
ناسازگاری دو مصراع و ابهام مفهوم بیت آشکار است. در نسخه ۶۹۹ هجری، بیت مزبور چنین آمده است:

آسمان شد لفظ من در مدحت شاه زمین      وصف قدر تو نهاده است آسمان در لفظ من  
تا همی از آسمان آید قضا سوی زمین      جاودان از آسمان ملک زمین بادت قضا

بدیهی است در دو بیت مزبور نیز علت سهو کاتب، وجود دو کلمه مشابه «زمین» در مصراع‌های اول و سوم است که کاتب را به خطا افکنده است.

نمونه‌هایی از دیوان امامی هروی:

چنان که گفته شد این نوع از تصرف که به سهو در نسخه‌ها راه یافته و آمیخته به

غرض نیست، در استنساخ دیوان‌های شعر فارسی به وفور دیده می‌شود. یکی از این دیوان‌ها، دیوان امامی هروی، شاعر معروف اوایل قرن هفتم هجری است. دیوان این شاعر تنها یک بار در سال ۱۳۴۳ توسط همایون شهیدی از سوی انتشارات علمی چاپ شده است. مصحح در تصحیح دیوان، سه نسخه متأخر و مغلوپ در دسترس داشته است. قدیم‌ترین و نفیس‌ترین نسخه از دیوان این شاعر، مجموعه‌ای است که به سال ۶۹۹ هجری کتابت شده و در کتابخانه چستریتی (دوبلین) نگهداری می‌شود و این نسخه فقط سیزده سال پس از وفات این شاعر کتابت شده و مورد استفاده مصحح واقع نشده است. در نسخه دیوان چاپی چنین می‌خوانیم:

ص ۹۲ بیت سوم:

ای خداوندی کز ردّ و قبول در تو      حکم هفت اختر و نه چرخ مسلم گردد  
در قدیم‌ترین نسخه خطی از دیوان این شاعر - که وصف آن گذشت - بیت مزبور چنین است:

ای خداوندی کز ردّ و قبول در تو      باز تیهو شود و آهو ضیغم گردد  
هر که را خاک جناب تو مسلم باشد      حکم هفت اختر و نه چرخ مسلم گردد  
و کاتب بر اساس خطای چشم و یا خستگی، مصاربع دوم و سوم بیت را از قلم انداخته و از مصاربع باقی مانده، بیتی بر ساخته است.  
ص ۱۰۵ بیت ۱۷:

آن که در خلقتش خدای جهان      نظم دنیا و دین بکرد اظهار  
در نسخه ۶۹۹ هجری چنین می‌خوانیم:

آن که در خلقتش خدای جهان      معنی خلق خویش کرد اضمار  
وانکه بی‌فکرش خدای جهان      نظم دنیا و دین بکرد اظهار  
بدیهی است علت خطای کاتب در حذف دو مصراع، وجود دو ترکیب مشابه «خدای جهان» در مصراع‌های اول و سوم است که باعث خطای چشم کاتب در هنگام استنساخ نسخه منقول عنه شده است.



ص ۱۰۶ بیت اوّل:

خاک پای زمین حضرت اوست      فلک تند و عالم غدار  
این بیت در قدیم‌ترین نسخه موصوف، چنین است:  
خاک پای زمین حضرت اوست      زیور ملک و افسر احرار  
بنده حکم و بسته در اوست      فلک تند و عالم غدار  
در اینجا نیز علت آمیختگی چهار مصراع در دو مصراع، وجود دو کلمه مشابه «اوست» در دو مصراع اوّل و سوم است.

ص ۱۹۳ بیت ۴:

گر ز آب لطف و تاب قهر تو یاد آورد      آب راند دهشت لطف تو از در خوشاب  
صوت صحیح بیت مزبور مطابق نسخه موصوف چنین است:  
گر ز آب لطف و تاب قهر تو یاد آورد      در کنار بحر گوهر، در دل کان زرّ ناب  
خاک سازد هیبت قهر تو از زرّ طلا      آب راند دهشت لطف تو از در خوشاب  
نمونه‌هایی از دیوان نجیب جرفادقانی:

دیوان نجیب جرفادقانی (گلپایگانی) تنها یکبار، آن هم در سال ۱۳۷۱، توسط احمد کرمی تصحیح و چاپ شده است. مصحح در معرفی نسخه‌های در دسترس می‌نویسد: «این دیوان بر پایه مقابله نسخ خطی کتابخانه اینجانب و چند نسخه دیگر فراهم آمده است» (مقدمه دیوان: ص ب).

قدیم‌ترین نسخه دیوان این شاعر مجموعه کتابخانه چسترییتی مکتوب به سال ۶۹۹ هجری است که وصف آن گذشت. در این مجموعه مقدار قابل توجهی از اشعار این شاعر ثبت و ضبط شده است. علاوه بر این نسخه، نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم که در ذی‌قعدة ۱۰۰۲ هجری قمری توسط کاتبی موسوم به زکی همدانی به خط نستعلیق کتابت شده است، از نسخه‌های معتبر این دیوان است که بسیاری از اغلاط دیوان چاپی را مرتفع می‌سازد.

ص ۹۸ سطر چهارم دیوان چاپی:

قبای نامه از این روی تنگ می‌آید  
 قو آفتاب همی بینم آنکه آخر کار  
 که می‌زند سر زلف تو سر به عیاری  
 روا مدار که ریحان کند بر او خواری

در نسخه چسترییتی به جای دو بیت مزبور، چنین می‌خوانیم:

قبای نامه از این روی تنگ می‌آید  
 قو آفتاب همی بینم آنکه آخر کار  
 که می‌زند سر زلفت دم کله‌داری  
 بر آورد سر زلف تو سر به عیاری  
 روا مدار که ریحان کند بر او خواری  
 ز خط سبز تو عنبر زیون شده است، تو نیز

چنان که مشهود است، کاتب در رونویسی نسخه اساس، مصراع‌های دوم، چهارم و پنجم ابیات مزبور را از قلم انداخته و از باقی مانده مصراع‌ها، دو بیت نامفهوم و ناسازگار بر ساخته است.

ص ۱۱۶ سطر پنجم:

ز دست و تیغ تو بر یاد روزگار بماند  
 ز قهر گردش این سبز چرخ مینایی

در قدیم‌ترین نسخه خطی، بیت مزبور بدین صورت ضبط شده است:

ز دست و تیغ تو بر یاد روزگار بماند  
 چو مور، خصم تو در طاس روزگار بماند  
 حدیث رستم داستان و حاتم طایی  
 ز قهر گردش این سبز طشت مینایی

ص ۴ سطر ۱۲:

اساس عدل تو معمور باد جاویدان  
 که بر زمان تو دوران چرخ مأمور است

صحیح بیت مزبور، مطابق قدیم‌ترین نسخه چنین است:

حريم مسند تو روز بار می‌بینم  
 اساس عدل تو معمور باد جاویدان  
 که آفتاب سپهرش کمینه مأمور است  
 که در اساس تو دوران چرخ مزدور است

با تأمل در این دو بیت، خطای کاتب به روشنی مشهود است. کاتب به جهت تشابه کلمات به اشتباه افتاده و نیمی از مصراع دوم را به مصراع آخر ملحق ساخته و یک بیت نامفهوم بر ساخته است.

ص ۷۹ سطر ۱۲:

بدان خدای که کنه و نهایت لطفش  
و صحیح بیت مزبور چنین است:  
بدان خدای که کنه و نهایت لطفش  
بدان حکیم که در بدو فطرت از در علم  
بدان قدیر که هنگام حشر و وقت نشور  
ز گور زنده برآرد همه رفات عظام  
نه در ضمائر ما گنجد نه در اوهام  
سپهر را حرکت داد و خاک را آرام  
ز گور زنده برآرد همه رفات عظام  
چنان که مشهود است، کاتب از سه بیت، به جهت تشابه آغاز مصراع‌ها، به سهو یک  
بیت ساخته است.

#### نمونه‌هایی از دیوان اثیر اخسیکتی:

دیوان اثیر اخسیکتی در مردادماه سال ۱۳۳۷ از سوی کتابفروشی رودکی به چاپ رسیده  
است. نسخه‌های در دسترس مصحح، چند نسخه مکتوب به قرن یازدهم و یک نسخه  
بدون تاریخ، متعلق به قرن دوازدهم و نیز نسخه اساس مصحح، مکتوب به سال ۱۲۶۱  
هجری بوده است.

قدیم‌ترین نسخه موجود از دیوان این شاعر، مجموعه‌ای است با نام دواوین سته که  
مشمول بر اشعار شش شاعر مکتوب به سال ۷۱۳-۷۱۴ هجری است که وصف آن  
گذشت. با مقایسه و مطابقه دیوان چاپی با این نسخه، نمونه‌های فراوانی از این تصرف در  
رونویسی و استنساخ دیوان این شاعر مشاهده می‌شود که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم.  
ص ۱۱۶ سطر یازدهم:

از این جواهر منظوم دهر بی‌خبر است  
عقول شیفته این گران خراج عقود  
در نسخه خطی دواوین سته این بیت بدین صورت مضبوط است:  
خراج هر دو جهان ارزد این عقود کهن  
عقول شیفته این گران خراج عقود  
از این جواهر منظوم دهر بی‌خبر است  
وگر نه پیش کشیدی خزاین منضود

و کاتب در استنساخ دیوان این شاعر به علت سهو و عدم دقت، مصراع اول و چهارم ابیات مزبور را از قلم انداخته است.

ص ۲۱۲ سطر هفدهم:

ز خوان اشرف یک بیت زله بگیرم      ز پرده‌های فلک بگذرد فغان کرم

این بیت به همین صورت مغلوط و مبهم در دیوان چاپی ضبط شده است. در قدیم‌ترین نسخه خطی از دیوان این شاعر می‌خوانیم:

ز خوان اشرف یک بیت زله بگیرم      اگرچه نیست خوش آن لقمه در دهان کرم

به بوی فضل و کرم، خان و مان رها کردم      که روی فضل سیه باد و خان و مان کرم

اگر ز چهره این رمز پرده بگیرم      ز پرده‌های فلک بگذرد فغان کرم

چنان که مشهود است کاتب، مصراع دوم بیت را به همراه بیتی که شاعر از «اشرف» تضمین کرده و نیز مصراع اول بیت سوم را از قلم انداخته است.

ص ۲۹۱ بیت دوم:

افلاک را غلام سگ کوی خود نویس      سرمایه‌نثار به دست سحاب ده

مطابق نسخه دواوین سته، صورت صحیح بیت چنین است:

افلاک را غلام سگ کوی خود نویس      تعریف نامه شرفش زین خطاب ده

تا طیلسان مشتری از دوش درکشند      سرمایه‌نثار به دست سحاب ده

بدین ترتیب مصراع‌های دوم و سوم ابیات مزبور در استنساخ دیوان این شاعر حذف شده است.

#### نمونه‌ای از دیوان عمیق بخارایی:

دیوان عمیق بخارایی توسط سعید نفیسی بر اساس چند تذکره و مجموعه، تدوین و جمع‌آوری شده و در ۸۰۶ بیت از سوی کتابفروشی فروغی به چاپ رسیده است. هیچ نسخه مدون و معتبری به عنوان نسخه‌اساس در دسترس مصحح نبوده است. یکی از

نسخه‌های معتبر دیوان این شاعر، نسخه‌ای است که در کتابخانه ملی پاریس به شماره s.p.799 نگهداری می‌شود. این مجموعه به خط خوش نسخ در ۲۰۴ برگ کتابت شده است و در آغاز این نسخه (از ص ۱ تا ۸) شرح حال عمیق بخارایی به نقل از خلاصه‌الاشعار تقی‌الدین محمد کاشانی آمده و این امر حاکی از آن است که این نسخه از سده دهم به بعد (ظاهراً در سده یازدهم) استنساخ شده است. این مجموعه مشتمل بر دیوان پنج شاعر به نام‌های عمیق بخارایی، حکیم سوزنی، رشید وطواط، فلکی شروانی و عماد شهریاری است. عکسی از این نسخه به شماره ۶۵۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این نسخه حاوی بخش قابل توجهی از اشعار عمیق بخارایی است که متن اشعار این نسخه در مقابله و تصحیح دیوان این شاعر مورد استفاده سعید نفیسی واقع نشده است.

ص ۱۳۳ بیت ۵۴:

خدای داد بدین رنج روزه مزد و ثواب	خجسته باد ای خجسته عید جهان
ولیت گشته مصیب و عدوت گشته مصاب	در نسخه پاریس چنین می‌خوانیم:
خدای داده بدین رنج روزه مزد و ثواب	خجسته باد ای خجسته عید جهان
	سپهر گشته تو را بر همه مراد مطیع

چنان که مشهود است مصراع‌های دوم و سوم دو بیت مزبور در هنگام رونویسی نسخه خطی دیوان، از قلم کاتبان افتاده است.

نمونه‌هایی از دیوان فلکی شروانی:

دیوان فلکی شروانی در سال ۱۳۴۵ توسط طاهری شهاب از سوی کتابفروشی کتابخانه ابن‌سینا به چاپ رسیده است. نسخه‌های در دسترس مصحح، همگی نسخه‌های متأخر و مغلوپ بوده و بسیاری از ابیات دیوان به صورت محرف ضبط شده است. یکی از نسخه‌های نفیسی این دیوان، مجموعه‌ای است که شرح آن (در معرفی دیوان عمیق

بخارایی) گذشت. بسیاری از ابیات این شاعر در این نسخه، به صورت صحیح ضبط شده است. در حالی که بسیاری از این ابیات با ترکیب دو بیت در یک بیت چاپ شده است. برای نمونه به دو مورد آن اشاره می‌شود:

ص ۶۱ بیت نهم:

قدر تو را فراز خوان قرصه آفتاب نان      زیر و زیر به زور تو بوم عدو به زلزله

در نسخه پاریس چنین می‌خوانیم:

قدر تو را فراز خوان قرصه آفتاب نان      کرده ز خوان تو جهان کاسه آسمان زله

گشته به روز شور تو، وز تک خنگ و بور تو      زیر و زیر به زور تو، بوم عدو به زلزله

ص ۷۱ بیت سوم:

تا بود جرم سپهر این بارگاه افراخته      با تو چون بوم بهشت این خاندان آراسته

در نسخه موصوف، بیت مزبور بدین صورت ضبط شده است:

تا بود جرم سپهر از ماه و مهر افروخته      از عنایت ملک وز دست عنان آراسته

از تو تا بام سپهر این بارگاه افراخته      با تو چون بوم بهشت این خاندان آراسته

و قطعاً این تصرف ناشی از خطای چشم کاتب در هنگام کتابت دو کلمه «افروخته» و «افراخته» در پایان مصراع‌های اول است.

### نتیجه‌گیری:

بنا بر آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که تصرف و تغییر در استنساخ نسخه‌های خطی امری بدیهی است و این تصرفات علل و انگیزه‌های گوناگون داشته و شناخت انواع تصرفات کاتبان در متون و طبقه‌بندی آن کار بسیار دشوار و نیازمند تفحص و حوصله فراوان است. بسیاری از اغلاط، سهوآمیز است و بسیاری نیز از روی قصد و عمد صورت پذیرفته است. خطاهای سهوآمیز نسخه‌نویسان بیشتر بر اثر خستگی و خطای چشم و گاه در اثر وجود کلمات مشابه در مصراع‌ها و یا ابیات است

که بیشتر کاتبان و نسخه‌نویسان از این خطاها و لغزش‌ها به دور نمانده‌اند و این خطاها باعث شده که متون ادبی و دیوان‌های شعر فارسی سرشار از اغلاط و ابهامات شود (و الله اعلم بالصواب).

#### منابع:

- ۱- آذر بیگدلی، لطف علی بیگ. (۱۳۳۷). آتشکده آذر، به کوشش سید جعفر شهیدی، تهران: امیرکبیر.
- ۲- اخسیکتی، اثیرالدین. (۱۳۳۷). دیوان اشعار، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: رودکی.
- ۳- ادیب صابر ترمذی، شهاب‌الدین. (۱۳۸۵). دیوان، تصحیح احمدرضا یلمه‌ها، تهران: نیک‌خرد.
- ۴- امامی هروی، رضی‌الدین عبدالله. (۱۳۴۳). دیوان، به کوشش همایون شهیدی، تهران: علمی.
- ۵- ----- ( ۶۹۹ قمری). دیوان. نسخه خطی کتابخانه چستربیتی دوبلین.
- ۶- ----- ( ۱۰۰۳ قمری). دیوان. نسخه خطی ۱۱۸۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نستعلیق غلامحسین جولاق.
- ۷- ----- ( ۱۲۶۳ قمری). دیوان، نسخه موزه بریتانیا، فیلم ۷۰۲ دانشگاه تهران.
- ۸- امیر معزّی نیشابوری، محمدبن عبدالملک. (۱۳۱۸). کلیات دیوان، مقدمه و تصحیح و تعلیقات عباس اقبال آشتیانی، تهران: بارانی.
- ۹- انوری ابیوردی، اوحدالدین. (۱۳۶۴). دیوان، تصحیح مدرس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.

- ۱۰- پادشاه، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ آندراج، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- ۱۱- جاجرمی، محمد. (۱۳۵۰). مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، به کوشش میرصالح طیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۲- جرفادقانی، نجیب. (۱۳۷۱). دیوان، به کوشش احمد کرمی، تهران: سلسله نشریات ما.
- ۱۳- جهانبخش، جویا. (۱۳۸۷). «تأملات نظری کارآمد در تصحیح متون ادبی»، مجله آینه میراث، دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پیاپی ۴۲.
- ۱۴- ----- . (۱۳۸۴). راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب.
- ۱۵- خاقانی شروانی، افضل الدین. (۱۳۶۸). دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.
- ۱۶- خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۶۱). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- خواند میر، غیاث الدین. (۱۳۶۲). حبیب السیر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- ۱۸- دولتشاه سمرقندی. (۱۳۶۶). تذکره الشعراء، تصحیح محمد رضانی، تهران: کلاله خاور.
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۲۱- شمس قیس رازی. (۱۳۶۰). المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح مدرس رضوی، تهران: زوار.
- ۲۲- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوس.



- ۲۳- عمق بخارایی، شهاب‌الدین. (بی‌تا). دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران: فروغی.
- ۲۴- فدایی، غلامرضا. (۱۳۸۶). آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، تهران: سمت.
- ۲۵- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۵۰). سخن و سخنوران، تهران: خوارزمی.
- ۲۶- ----- (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران در عصر مغول، به کوشش  
عنایت‌الله مجیدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۷- فلکی شروانی، جلال‌الدین. (۱۳۴۵). دیوان، به اهتمام طاهری شهاب، تهران:  
ابن‌سینا.
- ۲۹- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۳۰- ----- (۱۳۸۰). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های  
خطی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۱- مدرس تبریزی، میرزا محمد علی. (۱۳۷۴). ریحانه‌الادب، تهران: خیام.
- ۳۲- مستوفی، حمدالله. (۱۳۷۳). نزهه القلوب، تهران: دنیای چاپ.
- ۳۳- ----- (۱۳۶۱). تاریخ گزیده، به اهتمام ادوارد براون، تهران: دنیای  
چاپ.
- ۳۴- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، تهران: فروغی.
- ۳۵- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۳۹). مجمع‌الفصحاح، به کوشش مظاهر مصفا، تهران:  
امیرکبیر.
- ۳۶- واله داغستانی. (۱۳۷۳). ریاض‌الشعرا، تهران: نگاه.
- ۳۷- وطواط، رشیدالدین. (۱۳۳۹). دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران: بارانی.
- ۳۸- ----- (۶۹۹ قمری). دیوان، نسخه خطی کتابخانه چستریتی دوبلین.





**ذکر استاد الشعر ابو النخع عمه بخاری**  
 اصل وی از مدینه المحفوظ بخارا است و از جمله قول شاعرانی  
 انجاشاعری قدرمت آرو سخن وردی بغایت نامدار بوده و  
 بلطف طبع و وفور فضل و زیور ادب و جلوه نزدیک از سایر  
 شاعران ماوراء النهر ممتاز میبود نه بهمتی عرض او مبتدا  
 کشتی و نه بهمتی دامن او آلوده شدی اسباب تعیش و  
 عشرت او رامهتیا و مهمنا بودی و همیشه محترم و مورد قدر  
 ولایت روزگار گذر آید ری رشیدالدین و طوطا اعظم  
 زیاد از وصف او داشته و در کتاب حذائق الحجاز  
 او را پسند آورده منقولست که ظهور او در دولت خاقانیا  
 بود و در زمان سلطنت خضرخان که معاصر سلطان خضی  
 بن ابراهیمست از محمودیان و سلطان مغزالدین ملکشا از  
 سلجوقیان کار او بالا گرفت و در سلاک منادمان و نزدیکان  
 خان شارا ایه منحرف گشت و در آن ایام ماوراء النهر و  
 بلاد ترکستان در تصرف خان مذکور بوده و توران زمینند  
 دولت وی طراوتی و امنیتی زیاد از خلد داشته و لشکرو  
 سپاهی که پیش از آن و پس از آن کسی را نبوده و نخواهد بود او را

Ex Bibliotheca V. CL. Eusebii RENAUDOT  
 quam Monasterio sancti Germani à Praxis  
 legavit anno Domini 1720.

صفحه نخست از نسخه عکسی پاریس

دیوان عمیق بخارایی

دل از برین رسید از بهر خنیا کز آید و در زنده جوایش نه هند  
وله ایضا

xviii

نور ز حال خود بر وزن فکتم برق ز شمعان خود بخیزن فکتم  
من خادوم تو من حسن باغ توام در هم فکتم زود و کلین فکتم  
وله

xix

آن سینه که از عارض تو خواسته نامن بزیر که حسن تو کاسته شد  
در باغ زخت بهر نماشای دلم کل بود و بسینه نینا راسته شد  
وله

xx

خط تو که چون مشک شد از خانه حسن  
خوشید کز دست کرم هنگامه حسن  
ظفر ای ملاحبت و سزایه حسن  
در نیل زرد از رشک خفت خانه حسن  
وله

xx

مرغان سازند جای در خانه زین باشند زفان خانه تسین چون  
بر عکس بهر کارین پدل زین در خانه زین زنم خانه زین

تمت الاحكام

بعون الملك الوها

۶۴۴

صفحة پایانی نسخه مذکور

ذکر شرف و ملک الفضل ابوالنظام محمد شرفی  
فلسفی شروانی

سرور شعرای متقدمین و مرجع فضیلتی ستیغین بوده و  
از جمله حکمای مغربست و در طریق شاعری تسلط دارد و از امانت  
و اوقاف خود تصب السبق روده و جناحی بعضی از سعادتمندان  
او در شعر خاقانی و طهیر بن یحیی خنوده اند و سلطان حمید  
الغریبک میرزا نوری بوده اند که بعد از رضا پادشاهی در ایران پدید  
و نبات شعر فلکی نیست و اشعار او بر شعر اکثر شعرا افضل  
دارد و لیکن تخلص بدو دارد و بغال خوب نیست و حمد الله  
مستوفی مشارالیه را استاد خاقانی میدانند اما صاحب تذکره  
این سخن را قبول ندارد و میگوید که شیخ عارف آذری رحمه  
الله فرموده در چهارم الامار که او و خاقانی هر دو شاعر کربان  
ابوالعلا کجاند و هلی ای حال در سخن زری بفضاحت و بلا  
معرفت و در شیخ نظم قصاید بصفت مهارت  
و قدرت و صوف و سخن را شاعرانه ادیب کند و ضایده  
دقیق و معانی بر تحقیق بسیار دارد که خیالات خوب و  
الفاظ بی تصود در آن مندرجست و بعضی از آن ضایده

جهن

بجهت اثبات این دعوی بی زبانه و غصافه دین و اوراق مثبت  
و مذکور اند اما اسم اصلی وی محمد است و کنیت ابوالنظام  
و مولدش قصبه شامخی بملاح من جملة علماء هالی شروانی  
بوده و زین دوی غیر پیش از وصف دانسته آورده اند که در  
ایران جوانی به حد عالی رسیدن میسر میگردید و به واسطه مخالفت  
مجتهدی باین شیخ رخصت پیدا کرد و چنانکه با ایلان زین را در  
بجای خیر از محرم تمامت طبع صدفی و بر مخالفت خاطر قواد خورشید  
کمالی در احکام نجوم تصنیف کرده که علماء آن زمان پسندیدند و این  
سبب تخلص برین است اما سایرین از مجمل است که چون  
مندی چنانکه در هم تلقی طائفان باشد رسم او احوال بود  
در بحثهای آرد و کلر از دانش و در او گفته است که لایح  
افاسن بخارج تریک آمد شده که بر سر راه مطلوب خان تریک  
کرد و در کج خانه موزن شد غزلت اختیار نمود و بعنوان این  
رباعی که لایق و لایم این سیادت و مناسب از حال است مترجمی  
بود و با عجب ای باد که جان فدای بیخام تو باد در آن لحظه که کلبه  
بر آن خود نشاند که بر سر دره داشتند و در ایام کن از زوی تو  
جان شیرین خود داد و الفصه بعد از چند روز مطلوب چون طلب

صفحه نخست از نسخه عکسی پاریس

دیوان فلسفی شروانی

براست از غم غبار در دوای  
 بگفت ابو و در خاک تو چشم لب و لب  
 منم روزی در سال و در ماه و در روز  
 بگرم و بچشم منم و در خاک تو لب  
 کار را که تو بگفتی بگفت جان دل  
 کسم خلد و کم زار و بچشم منم  
 نامه از آنروزه و درم از غایت  
 بچشم منم بچشم جان تو لب و لب  
 کوفه جز غم زانروزه و درم  
 بچشم منم بچشم جان تو لب و لب  
 نماند از آن روز که تو بگفتی  
 بچشم منم بچشم جان تو لب و لب  
 بچشم منم بچشم جان تو لب و لب  
 نه شرف از آن روز که تو بگفتی  
 بچشم منم بچشم جان تو لب و لب  
 شوی چه هست که می باهر کم و کم  
 شده بهرام و بهرام شدند و آمدند  
 بود و بود که بستان و بزم و آنگاه  
 رسید به صفت و در و نام و بچشم منم  
 بفرزندی ماسور و در و بچشم منم  
 خطای جان از نام بماند زان  
 کند در هدایت و شکر و شادان  
 زان کم که نام در لبش از شکر  
 مایه و مگر کس باشد که بگریزد از

زیر لبان  
 بر است آن که روز کن بود  
 دو پر که اندوست و ای که گام  
 زوی شای که در کم تو است اشک  
 نوی که غایت و لب که بگریزد  
 ترا مست از جلال بهام و ای که گام  
 لاله که خط از تر جلی را باشد  
 ترا باد از جلال و قدر و ای که گام

سازن بسند

مگر کش

و ل م

شاهی که روز از شاهی جهانمان  
 خواستند روز از وی لرام فلان  
 نوندن سوچ که کش در هر چه  
 دارد صفت زردان در صفا که  
 بدخواه دل خویشت باعت درویشی  
 آگاه بداند شوی ز جام گرفتاری  
 کتاب بعهد  
 الملك الوهاب  
 اولادنا